

از سرانه پایین کتابخوانی ایرانی‌ها زیاد گفته شده اما چیزی که شاید بیشتر از همه به چشم می آید، این است که باتوجه به رور و رسانه‌های مجازی رقیب که اطلاعات را به صورت فست فودی به مخاطب ارائه می دهند، احساس نیاز به خواندن کتاب در بین مردم وجود ندارد. عملگر دهناد می ربطی نیز که به نوعی در این موضوع تأثیرگذار بوده‌اند، به گونه ای بوده که به ایجاد این احساس در مخاطب بیشتر دامن زده‌اند. **نظر شما چیست؟**

**امینی:** در فرهنگ ایرانی کتابخانه‌ها از گذشته وجود داشته‌اند و کتاب تمدن ساز بوده است. کتابخانه، بخشی از مشخصه‌های هر دوره فرهنگی در تاریخ ایران بوده است. معمولا مسجد، کتابخانه و ارگ حاکمیتی در کنار هم قرار می گرفته‌اند.

اما اکنون پژوهش‌ها و آمارها تأیید می کنند که ما در مقایسه با بعضی کشورها در کتاب خوانی عقب هستیم. آمارهای گفته شده متغیر است اما روی روزهانه ۲۴ دقیقه برای هر نفر تقریبا توافق وجود دارد که آن هم میانگین کشوری است و به هیچ عنوان برای ملتی با آن پیشینه تمدنی و تاریخی و این همه سفارش هایی که در دین داریم، مناسب نیست. ویژگی مشترک ما ایرانی‌ها این است که کتاب نمی خوانیم؛ از نخبگان گرفته تا مردم عادی. ۶ دلیل به نظر من می‌رسد. اولین دلیل باور ذهنی آدم‌هاست. تا آدم‌ها در ذهن خودشان به ضرورت مصرف یک کالا نرسند، برای آن هزینه نمی کنند. هنوز مردم به آن باور نرسیده‌اند که کتاب خواندن می تواند در زندگی آن‌ها مؤثر باشد. یعنی این نتیجه را نمی بینند. هنوز خیلی از مردم فکر می کنند کتاب خریدن هزینه کردن بیهوده است.

دومین عامل، افزایش قیمت کتاب است. این واقعیت است که کاغذ، فیلم و زینک و خدمات چاپخانه‌ها گران شده است. طبع آماری که داریم از سال ۹۰ تا ۹۳ قیمت کتاب‌ها رشد دو برابری داشته. اگر چه در همین دوره بقیه کتاب‌ها هم گران شده و این طور نبوده که فقط کتاب گران شود. چون برای آن‌ها احساس نیاز و ضرورت وجود دارد. هزینه می شود اما چون این احساس نیاز برای کتاب نبوده افزایش قیمت بیشتر به چشم می آید. سومین دلیل ، نامتناسب بودن محتوای برخی کتاب‌هاست. بالاخره این هم یک واقعیت است که برخی کتاب‌هایی که تولید می شوند نمی توانند نیاز واقعی مخاطب را برآورده کنند. خواننده وقتی کتاب را می خواند احساس نمی کند با فردی که کتاب را خوانده تفاوتی دارد.

عامل چهارم، ورود رسانه‌های رقیب است. زمانی، کتاب رسانه محدودی بود که در اختیار جامعه و مردم قرار داشت. الان مردم به رسانه‌های مختلفی دسترسی دارند و می‌توانند انتخاب کنند. فضای مجازی بر سایر رسانه‌ها مثل کتاب و مطبوعات و حتی تلویزیون تأثیر گذاشته است. اخیرا اعلام کرده‌اند که تعداد کاربران شبکه‌های اجتماعی از شبکه‌های تلویزیونی دارد بیشتر می شود. مطبوعات را هم قبلا گرفته بودند. وقتی مخاطب به شکل سهل الوصول‌تری به اطلاعات دسترسی دارد به سمت کتاب نمی‌رود. هر چند مطبوعات و کتاب جایگاه خودش را دارد. شبکه‌های مجازی هم جایگاه خود را دارند. اینکه چطور از آن‌ها به نفع حوزه کتاب استفاده کنیم، ضعیفی است که داشته‌ایم. عامل پنجم، سنتی بودن صنعت نشر ایران است. در مقاله ای خواندم که گردش مالی صنعت نشر در کشور فرانسه با گردش مالی صنعت خودروی آن برابر است. شبکه توزیع کتاب ما سنتی و هنوز مثل ۵۰سال قبل است. نویسنده ای که کتاب را تولید می کند خودش باید بازاریابی کند و عامل فروش باشد. آن حلقه واسط بین نویسنده و مخاطب مفقود است.

عامل ششم، ورود پدیدانکردن نخبگان به حوزه تولید محتوای کتاب است. ناشر از بازگشت سرمایه خود اطمینان ندارد و در حمایت از نویسنده مردود است. در نهایت خود نویسنده باید هزینه چاپ را بپردازد. بنابراین نویسندگانی که سرمایه لازم را ندارند، نمی‌توانند به این کار ورود پیدا کنند.

**الهام ظریفیان** – سال های گذشته، هر بار در مناسبت هایی مثل هفته کتاب، از آمار اندک کتاب خوانی در بین ایرانی‌ها صحبت می شد، از دلایلی مثل گرانی کتاب و قدرت خرید پایین مردم برای کالایی مثل کتاب که طبعاً در مقایسه با گوشت و مرغ و برنج و مایحتاج جسمی، جایی در سبد خرید مردم نداشت، یاد می شد. حتی از ساعات زیاد تماشای تلویزیون به عنوان عاملی که مردم را کتاب‌نخوان یار آورده صحبت می شد. اما چندی است مهم‌ترین جدیدتری به نام «رسانه‌های مجازی» آمده است که راحت می‌توانیم

الهام ظریفیان – سال های گذشته، هر بار در مناسبت هایی مثل هفته کتاب، از آمار اندک کتاب خوانی در بین ایرانی‌ها صحبت می شد، از دلایلی مثل گرانی کتاب و قدرت خرید پایین مردم برای کالایی مثل کتاب که طبعاً در مقایسه با گوشت و مرغ و برنج و مایحتاج جسمی، جایی در سبد خرید مردم نداشت، یاد می شد. حتی از ساعات زیاد تماشای تلویزیون به عنوان عاملی که مردم را کتاب‌نخوان یار آورده صحبت می شد. اما چندی است مهم‌ترین جدیدتری به نام «رسانه‌های مجازی» آمده است که راحت می‌توانیم

همه کار می‌ری‌ها را گردن آن بیندازیم و از سیاست‌های بلندمدت و طرح‌های جامع شهرهایی که بدون حضور و وجود کتاب و کتابخانه برنامه‌ریزی می‌شوند، صحبتی نکنیم و نگویم رسانه‌های مجازی و شبکه‌های مجازی قبل از اینکه وارد کشور ما شوند در خود کشورهای توسعه‌یافته رواج داشته‌اند ولی همچنان آمار کتاب خوانی آن‌ها بالاست و گردش مالی صنعت نشر در بسیاری از آن کشورها به قول معاون اداره کل ارشاد خراسان رضوی با صنعت خودرویشان برابری می‌کند. برای روشن شدن موضوع، میزگردی ترتیب دادیم با حضور نمایندگان از دو

نهاد درگیر کار کتاب و یک نویسنده در مقام تولیدکننده محتوا. هادی حافظی، معاون اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، یوسف امینی معاون فرهنگی و مطبوعاتی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی و هادی تقی‌زاده داستان‌نویس و پژوهشگر تاریخی و نویسنده زندگی‌نامه بزرگان ایران و خالق رمان‌هایی چون «باوریا و چند داستان دیگر»، «گراف گربه»، «شکار فرشتگان»، «فشار آب بر دنیای عجیب دلگو» در این میزگرد ما را همراهی کرده‌اند.

نهاد درگیر کار کتاب و یک نویسنده در مقام تولیدکننده محتوا. هادی حافظی، معاون اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، یوسف امینی معاون فرهنگی و مطبوعاتی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی و هادی تقی‌زاده داستان‌نویس و پژوهشگر تاریخی و نویسنده زندگی‌نامه بزرگان ایران و خالق رمان‌هایی چون «باوریا و چند داستان دیگر»، «گراف گربه»، «شکار فرشتگان»، «فشار آب بر دنیای عجیب دلگو» در این میزگرد ما را همراهی کرده‌اند.

بلا بوده است، اما عناوین نیز محدود بوده؛ چون جامعه کتاب‌خوان ما گروه محدودی بود. نرخ بی‌سوادی مردم بالا بود. الان عکس شده است؛ تعداد عناوین کتاب زیاد شده و شمارگان کم. این طور هم نبوده که کاری برای توسعه فرهنگ کتاب‌خوانی انجام بگیرد. اقدامات زیادی انجام شده است. قبلا ما به فضای مجازی دسترسی نداشتیم و قدرت انتخاب مخاطب نهایتاً به تلویزیون و کتاب و مطبوعات محدود بود. الان قدرت انتخاب مردم زیاد شده است.

**فضای مجازی در کشورهایی هم که آمار کتاب خوانی دارند، استفاده می‌شود اما کتاب هنوز رونق دارد.**
**امینی:** مسئله همین است که چرا ما نمی‌توانیم فضای جدید را به‌استخدام کتاب دربریاوریم. شبکه‌های مجازی یک واقعیت هستند. بخواهیم یا نه، حضور پیدا کرده‌اند و خیلی هم قدرتمندند. در همه جا هم تأثیرگذاری دارند. پس در همه آن هفت‌پخش نشر باید مورد استفاده قرار بگیرند. سیستم نمایش خانگی که آمد، همه گفتند استقبال از سینما را کم می‌کند، اما دیدیم که این‌طور نشد. عرضه کتاب هم در دوسه‌سال اخیر نسبت‌به قبل، که تا سقف کتاب می‌چیدند، تفاوت پیدا کرده است. الان دوسه نمونه مثل شهر کتاب، پردیس کتاب یا پاتوق کتاب نحوه عرضه را کمی متفاوت کرده‌اند.

**البته منظور از کتاب فقط کتاب کاغذی نیست. کتاب به‌معنای کلمه‌است. مسئله این است که حتی کتاب‌های الکترونیکی ما هم در مقایسه با بسیاری کشورها کم خوانده می‌شوند.**
**حافظی:** طبعا کتابخانه‌های عمومی با محدودیت قفسه مواجه‌اند و باید دست به انتخاب بین خوب و خوب‌تر از بازارکی که عرضه می‌شود بزنند. در خرید کتاب برای کتابخانه‌ها ممیزی نداریم اما کارگروه‌های تخصصی دست به انتخاب می‌زنند. درباره ممیزی نشر هم به‌رحال مایک‌سرسی اصول فرهنگی داریم. این‌ها همان اعتقاداتی است که برای آن انقلاب کردیم. باید این اصول را در ممیزی بیاوریم. حالا اینکه آیا ممیزی توانسته ساختار بدهد و چقدر این خط‌کش‌ها توانسته شفاف باشد، جای بحث دارد اما یقینا هیچ حکومتی به اطلاعات آزاد عمل نمی‌کند. در آمریکا هم از انتشار بعضی کتاب‌ها جلوگیری می‌کنند.

**تقی‌زاده:** این گونه نیست که من نویسنده هر چه دلم خواست در اروپا بنویسم و کسی هم چیزی نگوید و مثلا به منافع ملی کشوری لطمه بزنم. اما ساختار این است که ناشر با آزادی چاپ می‌کند و کتاب به بازار می‌آید؛ بعد اگر کسی شکایتی داشته باشد باید جواب بدهم. آخرین باری که در ایالات متحده این اتفاق روی داد،

او اخبار و تاریخ و اقتصاد هم مطرح می‌شد. به همین دلیل رمان‌ها خیلی قطور بود. به‌مرور زمان که علوم تخصصی‌تر شد، موضوع سرگرمی بودن رمان‌ها قوی‌تر شد. الان کتاب غیرتخصصی، ترکیبی از اندیشه و سرگرمی است؛ بنابراین باید براساس نیازهای جامعه هدف پیش برویم.

**امینی:** فکر می‌کنم اینکه فرهنگ کتاب‌خوانی وارد زندگی مردم شود، یک‌باره اتفاق نمی‌افتد. سه نهاد در این موضوع تأثیر دارد. اولی نهاد خانواده است؛ در خانواده درباره این موضوع توجیه نشود، به دلیل فقر فرهنگی اقتصادی و دیگر دلایل نمی‌توانیم فرهنگ‌سازی کنیم. دومین عامل نظام آموزشی است. احساس نیاز به کتاب باید از دوره ابتدایی شکل بگیرد. فرد از همین دوره باید مرجعیت علمی کتاب را بپذیرد. رسانه هم می‌تواند مکمل موضوع باشد. پارسال برنامه خندوانه دو بار کتاب معرفی کرد. در نتیجه آن، ناشران می‌گفتند ما واقعا به چاپ مجدد نمی‌رسیم؛ آن قدر که تقاضا زیاد شده است!

**منابعفاندر دست‌شخصیت‌های سریال‌های ما همه چیز دیده می‌شود. غیر از کتاب.**
**امینی:** بله، ما مردم دیداری شنیداری هستیم. می‌گویند در زاین آگهی مطبوعات، گران‌تر از آگهی تلویزیونی است؛ چون مخاطب مطبوعات از تلویزیون بیشتر است.

**بیشتر زاده:** کل دنیا دارد به سمت دیداری شنیداری شدن می‌رود. این فقط مشکل ما نیست.

تغییر نباید خیلی نگران بود. باید نیازها را با وضعیت جدید منطبق کنیم. چه اصراری است که حتما کتاب کاغذی دستمان بگیریم؟ کتاب می‌تواند صوتی باشد، اما همان هم باید قانون‌مند و مشخص باشد. نمی‌خواهم گزارش کار بدهم که چه کرده‌ایم اما از این نظر که بدانید این‌طور نبوده است که هیچ اقدامی انجام نداده باشیم می‌گویم. همین‌الان ۱۵ برنامه برای ترویج کتاب‌خوانی در کشور و استان در دست داریم؛ مثلا جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب تجربه خیلی موفقی بود. آمار آقای حافظی احتمالا این را تأیید می‌کند که روستایی‌ها استقبال بیشتری از کتاب می‌کنند. چهارمین دوره این جشنواره در حال اجراست و باز خورد خیلی مثبتی گرفتیم. معرفی پایتخت کتاب ایران، برنامه دیگری است که دارد برای آن کار می‌شود. اتفاق خوب دیگر، این است که تفاهم‌نامه‌ای مبنی بر اجرای طرح «دوشنبه‌های کتاب‌خوانی» در مهدکودک‌ها با وزارت ارشاد و سازمان بهزیستی منعقد شده که از همین هفته کتاب شروع می‌شود تا در همه مهدکودک‌ها روز دوشنبه به کتاب‌خوانی اختصاص داشته‌باشد؛ یعنی کتاب‌محور باکودکان کار کنند. این کار را می‌توان به مقاطع بالاتر در آموزش و پرورش تعمیم داد. اقدام دیگر، حمایت از ویرتین کتاب است. چندسال است که طرح‌های سازمان بهزیستی منعقد شده که از همین هفته کتاب شروع می‌شود تا در همه مهدکودک‌ها روز دوشنبه به کتاب‌خوانی اختصاص داشته‌باشیم» اجرا می‌شود و طرح‌های یک‌ماهه نیز در قالب یارانه مختصری اجرا می‌شود تا مردم به‌خريد کتاب تشويق شوند. مشهددر این طرح‌ها با مقام اول و یا دوم راداشته است. این نشان می‌دهد اگر کمی نوآوری در عرضه داشته باشیم استقبال می‌شود.

**تقی‌زاده:** قبول دارید که خیلی دیر این اتفاق دارد می‌افتد؟!

**حافظی:** به‌کم‌حوصلگی و ریزه‌خواری عادت کرده‌ایم. این آفتی است که فضای مجازی برای ما ایجاد کرده و حوصله مطالعه کتاب را در ما کاهش داده است. موضوع این نیست که از گوشی مطالعه کنیم یا از کتاب کاغذی؛ موضوع این است که حوصله خواندن یک متن بلند حتی توی تلگرام را ندارم. این آفتی است که باید برای رفع آن کار کنیم. باید به مردم هشدار دهیم. در کشورهای اروپایی از گوشی این‌طور استفاده نمی‌کنند. باید روی فرهنگ استفاده از رسانه‌های جدید کار کرد.

## گفت و گو

**فکر نمی‌کنم موضوع فقط گران بودن کتاب‌ها و یا ورود رسانه‌های رقیب باشد؛ زیرا حتی در کتابخانه‌ها هم می‌بینیم از تمام ظرفیت به‌طور کامل استفاده نمی‌شود و کتابخانه‌ها بیشتر به‌فراخوانه تبدیل شده‌اند.**
**آقای حافظی نظر شما چیست؟**

**حافظی:** کاهش مطالعه در کشوری مثل ایران فقط به دلیل ظهور فضای مجازی نیست. در فضای مجازی دسترسی راحت‌تر است اما در این موضوع همیشه نیمه خالی لیوان دیده می‌شود. یک موضوع این می‌تواند باشد که ببینیم چقدر در موضوع دسترسی

مردم به کتاب و کتابخانه‌های

عمومی کار کرده‌ایم. این موضوع را که می‌گویید در همین کتابخانه‌های عمومی وضعیت خوب نیست، قبول ندارم. آمار و ارقامی که دارم این را نمی‌گوید. علی‌رغم اینکه همه از کتاب خوانی حرف می‌زنیم، هیچ اهمتی به توسعه کتابخانه‌های عمومی نداشته‌ایم. پتانسیل عمومی نداشته‌ایم. پتانسیل کتابخانه‌های عمومی در همین وضعیت حاضر به ما نشان داده که واقعا مردم نیاز دارند.

بله، الان یک قشر به دلیل وضعیت کشور نیاز به فراخوانه دارند اما آمار امانت را که دیگر نمی‌توانید بگویید مربوط به فراخوانه‌هاست! ۲۰۰هزار عضو در کتابخانه‌های استان داریم که تقریبا یک‌ونیم برابر آن امانت در ماه صورت می‌گیرد. این بعضی کتابخانه‌ها سه‌برابر یا چهاربرابر اعضا امانت داریم و در بعضی کتابخانه‌ها کمتر. اتفاق خیلی خوبی که داردمی‌افتد کتابخانه‌های سیار روستاهاست. الان کتابخانه‌سیار «نور حمت» تایباد و «نور امید» مشهد جزو ۱۰ کتابخانه برتر کشور هستند. این نشان می‌دهد که روستاهای ما نه تنها عطش به کتاب دارند؛ بلکه کوچک‌ترین مرکز فرهنگی برای آن‌ها تا حالا فراهم نشده است. در همین مشهد بعد از یک بازه زمانی، تعداد کتابخانه‌های عمومی هیچ تغییری نکرده و هیچ برنامه‌ای برای آن در برنامه‌های توسعه شهری در نظر گرفته نشده است؛ درحالی‌که نزدیک به ۱۰۰ کتابخانه نیاز دارد. به همان اندازه که مردم دوروبرشان مغازه می‌بینند، کتابخانه می‌بینند؟ حتی اگر هم کتابخانه‌ای باشد، آن قدر جذاب و تشکیل است که مردم را جذب کند؟ این چیزی است که مادر قبال آن کوتاه می‌کردیم که اگر کتابخانه‌های عمومی را افزایش دهیم، موضوع قیمت و مسائل حاشیه‌ای اقتصاد کتاب حل خواهد شد.

الان بخش کودک را در ۱۰ کتابخانه مشهد ایجاد کرده‌ایم اما تا زمانی که سیستم آموزش و پرورش کتاب‌محور نباشد و در مدرسه، معلم دانش‌آموز را به کتاب ارجاع ندهد، فایده‌ای نخواهد داشت. آموزش و پرورش می‌تواند در این زمینه نقش خیلی

مؤثری داشته باشد. دانش‌آموز باید احساس کند برای کوچک‌ترین سؤالی که در ذهنش ایجاد می‌شود، می‌تواند به کتابخانه مراجعه کند تا لذت مطالعه در وجودش نهادینه شود؛ نه اینکه ما تا دانشگاه هنوز مطالعه‌محور هستیم. اینجا فرهنگ مراجعه به کتابخانه‌های عمومی مطرح می‌شود. مگر منزل چقدر فضا برای خرید کتاب دارد؟ مگر هر نفر چقدر می‌تواند در کتابخانه شخصی‌اش کتاب جمع کند؟ این‌ها محدودیت‌های زندگی آپارتمان‌نشینی است. در این شرایط، توسعه کتابخانه‌های عمومی، نسخه خوبی برای توسعه مطالعه است. تعداد کتابخانه‌ها الان به اندازه نیاز مردم نیست.

**به اندازه نیاز مردم نیست.**

### حافظی:

**این‌که می‌گویید در کتابخانه‌های عمومی وضعیت خوب نیست، من قبول ندارم. آمار وار قاسمی‌که من دارم این را نمی‌گوید. هیچ اهمتی به توسعه کتابخانه‌های عمومی نداشته‌ایم. پتانسیل کتابخانه‌های عمومی در همین وضعیت حاضر به ما نشان داده که واقعا مردم نیاز دارند. آمار امانت را که دیگر نمی‌توانید بگویید مربوط به فراخوانه‌هاست!**

موضوع بعدی، فرهنگ‌سازی است. کتاب‌در کشورهای جهان سوم، کالایی تجملی است. وقتی فقر در جایی هست، دنبال دانایی نباشید. وقتی دانایی باشد، فقر می‌رود.

گسترش می‌دهند اما عمق را کم می‌کنند. هایدگر می‌گوید زبان خانه وجود است؛ یعنی هیچ چیز بدون زبان شکل نمی‌گیرد. ماهیت ما به زبان است. اگر ما زبان نداشتیم هیچ‌گونه ارتباطی برقرار نمی‌شد. کتاب، سمبل زبان است. باید قبول کنیم که کتاب در طول زمان تغییر خواهد کرد. اکنون یک زبان جدید داریم؛ زبان استیکرها. چه بخواهیم و چه نخواهیم، این تغییرات آن‌طور که ویتکنشتاین می‌گوید در زبان شکل می‌گیرد و در ساختار کتاب‌ها هم می‌آید. آینده خیلی روشنی برای کتاب کاغذی نمی‌بینم. تکنولوژی به جایی می‌رود که ما با دنیای ماتریکسی روی‌رو می‌شویم. این دنیای ماتریکسی، همه چیز را در یک لحظه به‌صورت خودآگاهانه در اختیار بشر قرار می‌دهد. خط بین مجاز و واقعیت چندان کم‌رنگ می‌شود و از بین می‌رود که حتی عشق را باید در مجاز جستجو کنیم. این آینده ماست و نباید به آن سخت‌بگیریم.

**امینی:** همه حکومت‌ها برای خودشان قوانین و مقرراتی در ممیزی دارند. فکر نمی‌کنم کشوری باشد که قانونی در ممیزی نداشته‌باشد.

می‌گویم اینکه همه چیز را منحصر کنیم به اینکه چون ممیزی هست پس مردم کتاب‌خوان نیستند، درست نیست. درست است که قبل از انقلاب شمارگان نشر ما

بلا بوده است، اما عناوین نیز محدود بوده؛ چون جامعه کتاب‌خوان ما گروه محدودی بود. نرخ بی‌سوادی مردم بالا بود. الان عکس شده است؛ تعداد عناوین کتاب زیاد شده و شمارگان کم. این طور هم نبوده که کاری برای توسعه فرهنگ کتاب‌خوانی انجام بگیرد. اقدامات زیادی انجام شده است. قبلا ما به فضای مجازی دسترسی نداشتیم و قدرت انتخاب مخاطب نهایتاً به تلویزیون و کتاب و مطبوعات محدود بود. الان قدرت انتخاب مردم زیاد شده است.

**فضای مجازی در کشورهایی هم که آمار کتاب خوانی دارند، استفاده می‌شود اما کتاب هنوز رونق دارد.**
**امینی:** مسئله همین است که چرا ما نمی‌توانیم فضای جدید را به‌استخدام کتاب دربریاوریم. شبکه‌های مجازی یک واقعیت هستند. بخواهیم یا نه، حضور پیدا کرده‌اند و خیلی هم قدرتمندند. در همه جا هم تأثیرگذاری دارند. پس در همه آن هفت‌پخش نشر باید مورد استفاده قرار بگیرند. سیستم نمایش خانگی که آمد، همه گفتند استقبال از سینما را کم می‌کند، اما دیدیم که این‌طور نشد. عرضه کتاب هم در دوسه‌سال اخیر نسبت‌به قبل، که تا سقف کتاب می‌چیدند، تفاوت پیدا کرده است. الان دوسه نمونه مثل شهر کتاب، پردیس کتاب یا پاتوق کتاب نحوه عرضه را کمی متفاوت کرده‌اند.

**البته منظور از کتاب فقط کتاب کاغذی نیست. کتاب به‌معنای کلمه‌است. مسئله این است که حتی کتاب‌های الکترونیکی ما هم در مقایسه با بسیاری کشورها کم خوانده می‌شوند.**
**حافظی:** طبعا کتابخانه‌های عمومی با محدودیت قفسه مواجه‌اند و باید دست به انتخاب بین خوب و خوب‌تر از بازارکی که عرضه می‌شود بزنند. در خرید کتاب برای کتابخانه‌ها ممیزی نداریم اما کارگروه‌های تخصصی دست به انتخاب می‌زنند. درباره ممیزی نشر هم به‌رحال مایک‌سرسی اصول فرهنگی داریم. این‌ها همان اعتقاداتی است که برای آن انقلاب کردیم. باید این اصول را در ممیزی بیاوریم. حالا اینکه آیا ممیزی توانسته ساختار بدهد و چقدر این خط‌کش‌ها توانسته شفاف باشد، جای بحث دارد اما یقینا هیچ حکومتی به اطلاعات آزاد عمل نمی‌کند. در آمریکا هم از انتشار بعضی کتاب‌ها جلوگیری می‌کنند.

**تقی‌زاده:** این گونه نیست که من نویسنده هر چه دلم خواست در اروپا بنویسم و کسی هم چیزی نگوید و مثلا به منافع ملی کشوری لطمه بزنم. اما ساختار این است که ناشر با آزادی چاپ می‌کند و کتاب به بازار می‌آید؛ بعد اگر کسی شکایتی داشته باشد باید جواب بدهم. آخرین باری که در ایالات متحده این اتفاق روی داد،